

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب عروة در مسئله دوازدهم که درباره نیت در روزه می باشد چهار فرع مطرح کرده اند ، اول: نیت در واجب معین ، دوم: اینکه اگر نیت عمداً ترک شود صوم باطل است ولی سهواً و نسیاناً چطور ؟ سوم: نیت در واجب غیر معین مثل نذر غیر معین و قضا که وقت در آن وسعت دارد، چهارم: نیت در صوم مندوب .

بحث اول در این است که بیکره و ماهیت صوم چیست؟ ماهیت صوم این است که امساک عن نية باشد، نیت در همه عبادات لازم است هم در مقام تعیین و هم به عنوان قصد قربة لازم است اما در صوم نیت خیلی نقش دارد چون صوم امساک عن نية می باشد و هر امساک صوم نیست فلذا نیت در صوم خیلی نقش دارد، پس صوم به این است که از طلوع فجر تا غروب آفتاب با نیت صوم امساک کند، قرآن مجید هم همین طور می گوید: «كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر و أتموا الصيام إلى الليل» (بقره ۱۸۷) در اولین لحظه ای که خیط ابيض آشکار می شود باید برای صوم نیت شود یعنی باید مقارن با طلوع فجر نیت شود و تا غروب آفتاب هم این نیت ادامه داشته باشد. علاوه بر این یک روایتی هم دیروز خواندیم که پیغمبر (صلی الله علیه وآله) فرمودند: « لا صيام لمن لم يبيت الصيام من الليل » کسی که شب را صبح می کند از آن موقع باید نیت صوم کند. گفتیم که این روایت در سنن بیهقی آمده و همچنین محقق آن را در معتبر ذکر کرده. حدیث دیگری با همین مضمون در ص ۲۰۴ از جلد ۱۰ مستند الشیعه نراقی ذکر شده که روایت این است، پیغمبر (صلی الله علیه وآله) فرموده اند: « من لم يجمع الصيام قبل الفجر فلا صيام له ». کسی که عضم و قصد نکند صیام را در فجر فلا صیام له، این حدیث را مرحوم نراقی از سنن ابی داوود و مسند احمد بن حنبل نقل می کند .

خلاصه ماهیت صوم کتاباً (بقره ۱۸۷) و سنناً مشخص شد و در ارتکاز متسرعه هم روزه این است که انسان از طلوع فجر تا غروب آفتاب با نیت صوم امساک از مفطرات کند .

شق دوم بحث درباره کسی است که فراموش کرده که ماه رمضان است و یا اینکه غافل است، و یا اینکه جاهل است فلذا بخاطر یکی از این دلایل نیت صوم نکرده (ناسی کسی است که از اول می دانسته و بعد

یادش رفته ولی غافل کسی است که به اندازه ای سرگرم زندگی بوده که از ماه رمضان غافل شده، و جاهل کسی است که نمی داند که ماه رمضان است و در اینجا مراد کسی است که جاهل به موضوع است چون جاهل به حکم معلوم نیست که معذور باشد مگر اینکه قاصر باشد) . خوب صاحب عروة درباره جاهل و ناسی و غافل گفته است که اگر آنها بواسطه غفلت و نسیان و جهلشان نیت نکردند، اگر تا ظهر نیت کنند صومشان صحیح است یعنی آنها برای نیت تا ظهر وقت دارند .

حالا باید ببینیم دلیل ایشان چیست چون که بیکره و ماهیت اولیه صوم را همانطور که شناختیم این بود که باید از طلوع فجر نیت صوم کنند.

در اینجا فقط ما در برابر آیت الله العظمی آقای خوئی قرار گرفته ایم، باید عرض کنیم که ما دو جور فقه داریم یکی فقه آیت الله العظمی بروجردی می باشد که در آن عنایت فراوانی به اقوال قدما مثل شیخ طوسی و امثال آن شده است و خیلی زود و سریع از اقوال آنها عبور نشده است بلکه در آن اهمیت فوق العاده ای برای اقوال فقهاء قائل شده اند و خیلی سریع حرف های آنان را تخطی نکرده اند، و یکی هم فقه آیت الله العظمی آقای خوئی می باشد که اصلاً نظری به اقوال قدما و فقهاء ندارد بلکه در آن فقط نظر به روایت و سندش دارند که هر چه روایت گفت همان است و دیگر به مشهور و اعراض و عمل آنها اهمیتی نمی دهد. خلاصه بنده از زمان شیخ طوسی تا زمان آیت الله خوئی یک نفر را پیدا نکردم که در این مسئله مثل ایشان قائل باشد، تمامی فقهاء در این باره فرموده اند: إذا ترک النية غفلةً و نسیاناً و جهلاً تا ظهر وقت دارد که نیت صوم کند و اگر تا ظهر نیت کرد روزه اش صحیح است ، مثلاً در ص ۳۷۷ از جلد اول مبسوط در بحث نیت صوم رمضان آمده است: « ومتى تأخرت نية الفرض لسهو أو عدم علم بأنه من رمضان و تجددت قبل الزوال كان صحيحاً و يكون صائماً »، همچنین محقق در معتبر علامه در تذکره و منتهی، و در ص ۹ از جلد ۲ مسالک و در ص ۲۹۲ از جلد ۵ ریاض و در ص ۲۱۱ از جلد ۱۰ مستند الشیعه نراقی و هكذا تمام اینها قائلند که: « مع الجهل والنسيان بكونه رمضان أو المعين الآخر يجوز متى تذكّر إلى ما قبل الزوال إذا لم يأت بمفطر وأجزأه عن ذلك اليوم » و غیر از آیت الله العظمی آقای خوئی کسی قائل به عدم اجزاء نیست و فقط ایشان هستند که در مستند العروة قائل به عدم اجزاء صوم ناسی و جاهل شده اند .

ما سه دلیل برای مجمعی و مشهور که قائل به اجزاء صوم ناسی و جاهل شده اند ذکر کردیم که آقای خوئی به آنها خدشه وارد می کند، حالا ما از دلیل آخر شروع می کنیم که روایت اعرابی بود ، در این روایت آمده بود که در زمان پیغمبر (صلی الله علیه وآله) أصبح الناس در حالی که

نمی دانستند ماه رمضان است بعد یک اعرابی قبل از ظهر آمد و شهادت به رؤیت هلال داد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) امر کرد به یک منادی که ندا دهد به این که من لم یأکل فلیصم ، خوب در اینجا مردم چون که جاهل به دخول رمضان بودند نیت صوم نکرده بودند ولی پیش از ظهر نیت کردند و روزه گرفتند. این حدیث عامی است یعنی از طرف اهل سنت نقل شده ولی چون فقهای ما به این حدیث عمل کرده اند ضعفش جبران می شود، از همین جا مشی ما از مشی آقای خوئی معلوم می شود، ایشان عمل فقها را مؤثر نمی دانند و می گویند که خبر چون مرسل و عامی است فلذا حجت نمی باشد ، ولی در طرف مقابل ایشان بنده عرض می کنم که از زمان شیخ طوسی به بعد همه فقها به این خبر عمل کرده اند فلذا اگر برای آنها روشن نبود که این خبر مقترب به قرائتی است به آن عمل نمی کردند چون همین فقهای ما که به این روایت عمل کرده اند در خیلی از جاها به دیگر روایات منقول از عامه عمل نکرده اند فلذا معلوم می شود که این روایت مقترب به یک قرائتی بوده . پس آقای خوئی می فرمایند که اولاً خبر مرسل است و ثانیاً عامی است و ثالثاً در این خبر نقل شده که یک نفر اعرابی شهادت داده است در حالی که در شهادت باید دو نفر عادل شهادت بدهند فلذا این خبر حجت نیست، ولی در مقابل ایشان دیگران می فرمایند که ولو اینکه خبر مرسل و عامی است ولی چون مورد عمل تمامی فقها نسل در نسل بوده فلذا ضعفش جبران می شود و برای ما حجت می شود، این دلیل اول بود که عرض کردیم .

دوم حدیث رفع بود که در آن آمده است رفع عن امتی ما لا یعلمون ، اگر کسی نمی داند فردا رمضان است و نیت نکرده و وجوب نیت عند طلوع الفجر از او برداشته می شود فلذا روزه اش درست است، چنانچه در مذهب الأحکام هم گفته شده که حدیث در مقام امتنان است و امتنان هم به این است که علاوه بر اینکه مؤاخذ نیست روزه اش هم صحیح است، البته ما این را قبول نداریم و قائلیم به این که حدیث رفع فقط مؤاخذ را بر می دارد .

اما دلیل اول این بود که در مسافر و مریض که مکلف نبودند اگر پیش از ظهر نیت می کردند روزه آنها صحیح بود فلذا وقتی که روزه غیر مکلف صحیح شد در اینجا که جاهل و ناسی مکلف هستند ولی تکلیفشان منجز نیست به طریق اولی باید صومشان صحیح باشد، حاج آقا رضای همدانی اعلی الله مقامه این مطلب را در ص ۳۱۱ تا ص ۳۱۴ مصباح الفقیه بسیار عالی تقریب کرده اند .

خوب این هم دلیل اول مشهور بود، آقای خوئی اعلی الله مقامه در اینجا اشکال می کنند که قیاس کردن مانحن فیه به مسافر و مریض قیاس فی

غیر محله است و شامل اینجا نمی شود چون مریض و مسافر اصلاً مکلف به روزه نبودند تا وقتیکه در قبل از ظهر نیت روزه کردند و از همان موقع که نیت کردند مثلاً ۶ ساعت مانده به غروب تازه مکلف شدند و روزه آنها صحیح شد، اما در مانحن فیه جاهل و ناسی از ابتدا مکلف هستند منتهی تکلیف درباره آنها منجز نیست، یعنی جاهل و ناسی تمام شرایط روزه را دارند و مکلف هم هستند اما عن جهل و عن غفلة و عن سهو فراموش کرده اند که نیت کنند، فلذا ما نمی توانیم جاهل و ناسی را که مکلف هستند به مریض و مسافر که اصلاً مکلف نبودند قیاس کنیم و بگوئیم چون اگر مریض و مسافر قبل از ظهر نیت صوم کنند روزه آنها صحیح است فلذا روزه جاهل و ناسی هم صحیح است.

در واقع آقای خوئی بحث را بر اجزاء مترتب کرده اند، بحث اجزاء این است که ایتیان المأمور به علی وجهه یقتضی الاجزاء ، مأمور به مریض و مسافر از وقتی بود که در قبل از ظهر نیت صوم کردند پس آنها ایتیان به مأمور به کردند فلذا صومشان صحیح است، اما ناسی و جاهل که از همان ابتدا امر داشته اند وقتی که قبل از ظهر نیت صوم کنند مأمور به واقعی را ایتیان نکرده اند چون مثلاً ۵ الی ۶ ساعت از مأمور به را که در صبح بوده ایتیان نکرده اند، پس آقای خوئی می فرمایند که شما چطور آن کسی که امر داشته و به مأمور به عمل کرده را قیاس می کنید به کسی که امر داشته ولی به مأمور به عمل نکرده و در هر دوی آنها می گوئید که مجزی است؟ این کلام آقای خوئی بود که عرض کردیم .

بنده به کلام آقای خوئی اشکال داشتم و عرض کردم که چند مطلب را باید اینجا در نظر داشته باشیم، اول اینکه ما در بسیاری از جاها می بینیم که شخص از طلوع فجر نیت نکرده ولی شارع مقدس گفته که روزه آن صحیح است و روایات بسیار زیادی هم در این زمینه داریم، فلذا ما باید این روایات را بخوانیم تا مطلب روشن شود .

در باب دوم از ابواب وجوب صوم و نیت در ص ۴ به بعد از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی خبرهای بسیار زیادی، صحاح و غیر صحاح دلالت دارند بر اینکه کسی که برای صوم نیت نکرده اگر تا قبل از ظهر نیت کند روزه اش صحیح است، و در روزه مندوب اگر بعد از ظهر وحتى اگر یک ربع مانده به غروب نیت کند روزه اش صحیح است.

پس از اینجا مشخص می شود که شارع مقدس در روزه معتبر نمی داند که حتماً در همه جا باید امساک از طلوع فجر تا غروب باشد دلیلش هم همین اخبار کثیره ای است که در این رابطه وارد شده است که ان شاء الله بعداً مقداری از آنها را می خوانیم ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی
محمد وآله الطاهرین